

An Inquiry into the Foundations of Sublime Governance in the Fadak Sermon of Lady Fatimah (PBUH)

Tahereh Mohseni

Assistant Professor, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. t.mohseni@isu.ac.ir

Abstract

Fadak, based on verse 26 of Surah Al-Isra ("And give the relative his right, and [also] the poor and the traveler, and do not spend wastefully"), was the property of Lady Fatimah (PBUH) which was seized by the rulers of the time following the Prophet's (PBUH) demise, aiming to usurp the governance of Imam Ali (PBUH). In response, Lady Fatimah (PBUH) delivered a sermon among the Ansar and Muhajireen, defending her right, the guardianship, and addressing the recognition of enemies, which became known as the Fadak Sermon. Given Lady Fatimah's (PBUH) esteemed position and the profound content of the Fadak Sermon, its elucidation plays a crucial role in delineating the concept of guardianship and sublime governance. The results of this study, using a descriptive-analytical method aimed at deriving a model of sublime governance based on the Fadak Sermon, indicate that establishing a divine government requires certain elements that form its foundation. These elements, as discussed by Lady Fatimah (PBUH), pursue goals that ensure both worldly tranquility and eternal happiness. She initially emphasizes the authority of the Qur'an, implying that any government seeking progress, preservation of power, and independence needs laws rooted in divine decrees and Sharia, which fulfill all human needs. Furthermore, Lady Fatimah (PBUH) highlights the importance of leadership and the necessity of this pillar for achieving divine objectives and societal prosperity under the guidance of an infallible Imam (PBUH). By elucidating ethics and guardianship-centeredness, she underscores their role in elevating the Islamic society, thus demonstrating justice-centeredness as a fundamental pillar of any government. Additionally, by outlining the role of enemy recognition in realizing a divine society, she clarifies the most critical foundations of sublime governance for all.

Keywords: Sublime governance, Lady Fatimah (PBUH), Fadak Sermon, Justice-centeredness, Enemy recognition, Guardianship.

Received: 2022-05-18 ; Received in revised form: 2022-06-15 ; Accepted: 2022-07-01 ; Published online: 2023-12-21

<https://doi.org/10.22034/SM.2022.553276.1878>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



جستاری بر مبانی حکمرانی متعالی در خطبه فدکیه حضرت زهرا(س)

طاهره محسنی

استادیار، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. t.mohseni@isu.ac.ir

چکیده

فدک با استناد به آیه ۲۶ سوره اسراء «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرُوهُمُ إِذْ بُذِرُوا» ملک حضرت زهرا(س) بود که پس از رحلت پیامبر(ص) و با هدف غصب حکمرانی امام علی(ع)، توسط حاکمان وقت از حضرت پس گرفته شد. حضرت زهرا(س) پس از غصب آن، خطبه‌ای را در راستای دفاع از حق، ولایت و دشمن‌شناسی در میان انصار و مهاجرین ایراد نمودند که به خطبه فدکیه مشهور گردید. از این‌رو ضرورت تبیین آن با توجه به جایگاه والای حضرت زهرا(س) و درون‌مایه قوی و غنی خطبه فدکیه، نقش مهمی را در ترسیم ولایت و حکمرانی متعالی ایفا می‌کند. نتایج پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف دستیابی به الگوی حکمرانی متعالی با استناد بر خطبه فدکیه نشان داد که برای تحقق یک حکومت الهی، به مؤلفه‌هایی نیاز است که پایه‌های آن حکومت را شکل می‌دهد. این مؤلفه‌ها در کلام حضرت زهرا(س) اهدافی را دنبال می‌کند، که علاوه بر آرامش دنیوی، سعادت اخروی را نیز تأمین می‌سازد. ایشان برای تبیین این مؤلفه‌ها، ابتدا به حاکمیت قرآن اشاره می‌نماید، که دلالت بر این امر می‌کند که هر حکومتی برای پیشرفت، حفظ قدرت و استقلال خویش، نیازمند قوانینی است که این قوانین در حکمرانی متعالی، مبتنی بر احکام و شریعت الهی است که تمام نیازهای بشری را تأمین می‌کند. حضرت زهرا(س) در ادامه به حاکمیت و اهمیت رهبری و ضرورت این رکن جهت تحقق اهداف الهی و سعادت جامعه در سایه رهبری امام معصوم(ع) اشاره می‌کند. سپس با تبیین اخلاق و ولایت‌محوری، به نقش و جایگاه این مؤلفه در تعالی جامعه اسلامی می‌پردازد، تا بدین وسیله عدالت‌محوری که از ارکان مهم و اصلی هر حکومتی است را نشان دهد. همچنین با ترسیم نقش دشمن‌شناسی در تحقق جامعه الهی، مهم‌ترین مبانی حکمرانی متعالی را برای همگان روشن می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی متعالی، حضرت زهرا(س)، خطبه فدکیه، عدالت‌محوری، دشمن‌شناسی، ولایت.

استاد به این مقاله: محسنی، طاهره (۱۴۰۲). جستاری بر مبانی حکمرانی متعالی در خطبه فدکیه حضرت زهرا (س). *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴):

ص ۴۵-۷۰. <https://doi.org/10.22034/SM.2022.553276.1878>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

<http://sm.psas.ir>

© نویسنده

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

فرآیند خطبه، پیش از اسلام در جامعه عرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود؛ به گونه‌ای که در منابع تاریخی و ادبی، از خطبای بسیار زیادی یاد شده است. پس از ظهور اسلام نیز خطبه ابزاری برای تبلیغ اسلام، تضعیف آرای دشمنان و بیان اصول، ارزش‌ها، آداب و احکام اسلامی شد؛ تا جایی که جزء شعائر اسلامی گردید و در عبادات بزرگی مانند نماز جمعه بکار گرفته شد (رشاد، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۴۵). در این میان خطبه فدکیه یکی از منابع مهم دینی است که تحلیل و تفسیر آن حقایق بسیاری را برای پژوهشگران نمایان می‌کند. تأمل در این خطبه علاوه بر آشکار نمودن عظمت روحی، عصمت و علم حضرت زهرا(س)، بر انطباق آن با حقایق قرآنی نیز دلالت دارد.

حکمرانی متعالی الگویی حکومتی، مبتنی بر یک نظام ارزشی است، که ارکان شکل‌گیری جامعه الهی را تبیین می‌نماید. این الگو در خطبه حضرت زهرا(س) برگرفته از تعالیم قرآنی است؛ زیرا در آموزه‌های قرآنی، حکمرانی به عنوان روش اعمال قدرت یا حاکمیت، با مسأله امامت و ولایت گره خورده است که به خدا، رسول اکرم(ص) و جانشینان آن اختصاص دارد. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱ (مانده: ۵۵). تحلیل این آیه نشان می‌دهد که مالک حقیقی و ولی مطلق، خداوند است و حاکمیت امام معصوم، استمرار و اعمال ولایت تشریحی خداوند بوده، که حقانیت آن ریشه در حقیقت لایزال و مطلق خداوندی دارد. از این رو غیرقابل انتقال و تجزیه بوده و تحقق و عینیت خارجی آن منوط به پذیرش آحاد جامعه است، که در صورت پذیرش، به واسطه انسان‌هایی که تحت تربیت خاص الهی واقع شده‌اند، و یا توسط آنان سفارش می‌شوند، اعمال می‌گردد (کریمی والا، ۱۳۸۶: ص ۳۵). در حقیقت مسأله ولایت و امامت در خطبه فدکیه، از مسأله حکمرانی متعالی جدا نیست و درک و پذیرش آن، انسان‌ها را به سوی سعادت و کمال دنیوی و اخروی هدایت می‌کند. در خطبه فدکیه حکمرانی متعالی، حکومتی است که قوانین آن براساس حاکمیت قرآن و با هدف اجرای احکام الهی در جامعه بنا شده باشد. از این رو در تبیین مؤلفه‌های حکومتی، علاوه بر حاکمیت قرآن، بر مسئله رهبری، ولایت محوری، عدالت، اخلاق و دشمن‌شناسی تأکید ویژه شده است، که تمسک به آن تحقق جامعه اسلامی - الهی را برای همه ملت‌ها امکان‌پذیر می‌کند.

پژوهش حاضر درصدد است تا با روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل اطلاعات تاریخی و روایی، به این

۱. «سرپرست و ولیّ شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند، همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند».

پرسش‌ها پاسخ دهد: عمده‌ترین محورهای حکمرانی در خطبه فدکیه بر چه اصلی استوار است؟ اصول و مبانی سیاسی حضرت زهرا(س) در دفاع از ولایت و عدالت چیست؟ جایگاه اخلاق و دشمن‌شناسی در تحقق حکمرانی، با استناد به خطبه فدکیه چگونه است؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که خطبه فدکیه نقش سیاسی مهمی در ترسیم ولایت‌مداری، عدالت‌محوری و تبیین مبانی حکمرانی متعالی برای مردم و رهبران دینی ایفا می‌نماید. از این‌رو می‌تواند الگوی رفتارهای سیاسی مردم، رهبران و مدیران حکومتی قرار گیرد، که تمسک به آن زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت(عج) را فراهم می‌نماید.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات انجام شده در زمینه خطبه فدکیه حاکی از آن است که این خطبه در نیمه دوم قرن دوم هجری به رشته تحریر درآمده است، و لوط بن یحیی، اولین فردی بود که کتاب مستقلی را با عنوان «خطبه الزهرا(س)» نگاشت (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۳۰ق: ج ۷، ص ۱۴۵). بعد از وی نیز مورخان و محدثانی همچون ابوالفرج اصفهانی (کلام فاطمه(س) فی فدک)، ابوبکر احمد عبدالعزیز جوهری (السقیفه و فدک)، جلال‌الدین عبدالرحمن السیوطی (مسند فاطمه الزهرا)، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (فتوح البلدان)، شیخ مفید (اختصاص)، عمر رضا کحاله (اعلام النساء) و احمد امینی (الغدیر)، به تبیین خطبه فدکیه در آثار خود پرداختند (حلی، ۱۳۸۳ق: ص ۷۹۵). بررسی پژوهش‌های پیشین حاکی از آن است که در چارچوب موضوع مورد نظر، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، هرچند برخی از محققان مانند کاظمی ترکمن و تقی‌ئی در آثار خود به بررسی خطبه فدکیه پرداخته و بعد از اثبات مالکیت حضرت زهرا(س) بر فدک، با مستندات قرآنی و روایی، به انگیزه‌ها و عوامل غصب فدک پرداخته‌اند و در نهایت با بیان اهداف حضرت در ایراد خطبه و احتجاج با خلفا و مردم، پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی غصب فدک را بازگو کرده‌اند. پژوهش حاضر حاصل مطالعات قرآنی، روایی و تاریخی خطبه فدکیه در حوزه حکمرانی متعالی است. از این‌رو تلاش شده است با تحلیل گفتمانی خطبه فدکیه به صورت کاربردی و علمی، مؤلفه‌های مهم و اساسی حکمرانی در قالب هفت مبانی اصلی، از کلام حضرت زهرا(س) استخراج گردد؛ چیزی که در پژوهش‌های مشابه مفقود است و همین مسئله وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها بوده و بدیع بودن آن را اثبات می‌کند.

۳. مفاهیم پژوهش

فهم دقیق از متن نگاشته شده زمانی میسر است که خواننده مفهومی دقیق از واژگان اصلی متن را بداند. از

این‌رو در شروع بحث لازم است ابتدا معانی دقیق واژگان اصلی تحقیق، تبیین گردد.

۳-۱. حکمرانی

واژه حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی و رهبری است (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ص ۲۴). از نظر واژه‌شناسی لاتین، حکمرانی^۱ به معنای هدایت کردن یا اداره کردن است. این واژه اولین بار توسط افلاطون در رابطه با طراحی نظام حکومت استفاده شد (هداوند، ۱۳۸۴: ص ۵۲). در اصطلاح به نهادها، فرآیندها و روش‌های مرتبط با مسائل مورد توجه بخش عمومی معرفی شده است که مشخص می‌کند قدرت چگونه اعمال می‌گردد، تصمیم‌ها چگونه گرفته می‌شود و شهروندان چگونه نظریه‌ها و خواسته‌های خود را بیان می‌کنند (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ص ۲۶). حکمرانی متعالی به معنای بکارگیری قدرت در جهت تدبیر امور دینی و دنیوی مردم، نظارت و ولایت بر ابعاد مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی آن‌ها و امر و نهی آنان در جهت تأمین خیر و صلاح دنیوی و اخروی است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ص ۴۴-۴۵).

۳-۲. خطبه

خطبه مصدر خطیب، به معنای اندرز گفتن می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۶۸). در اصطلاح به کلامی که نثر مسجع و آهنگین دارد، مانند نامه‌ای که دارای آغاز و پایانی مشخص است، اطلاق می‌گردد. به عبارتی، خطبه کلامی است که با نظم ویژه برای دیگران ایراد می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۳۶۱). خطبه حضرت زهرا(س) در مسجد مدینه، به خطبه فدکیه معروف است. این خطبه بسیار ماهرانه، با مقدمه و بیان مطلب شروع شده، و با منطوق و دلیل روشن بر مدعا ادامه می‌یابد، و در آخر با تذکر به مردم در مورد عواقب اعمالشان، به پایان می‌رسد (رشاد، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۴۷).

۴. مبانی نظری حکمرانی مطلوب

حکمرانی مطلوب که در فرهنگ الهی از آن به حکمرانی متعالی تعبیر می‌شود؛ عبارت جدیدی است که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد در ادبیات توسعه مطرح شد. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. اولین مرجع معتبری که در این زمینه مباحثی را مطرح نمود، بانک جهانی است که در گزارشی در سال ۱۹۸۹ میلادی آن را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده است

(قلی‌پور، ۱۳۸۷: ص ۷۱). در خصوص حکمرانی خوب اندیشمندان جهانی نظریه‌هایی را مطرح کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

افلاطون جوامع مدنی را به مدینه فاضله و مدینه غیرفاضله تقسیم می‌کند و ویژگی بارز مدینه فاضله را تحقق عدالت می‌داند. از منظر وی عدالت نوعی استعداد و تمایل درونی در انسان است که از بروز احساسات و انگیزه‌های شدید وی که طالب منافع خصوصی هستند، جلوگیری می‌کند و انسان را از انجام کارهایی که ظاهراً به نفع اوست، اما او را مورد عذاب وجدان قرار می‌دهد، باز می‌دارد. بنابراین، تأکید عمده در فلسفه سیاسی افلاطون، نظریه عدالت است. در نگاه او حکمرانی خوب، حکمرانی است که ویژگی عدالت آن برجسته باشد. همچنین در اندیشه فلسفی او، حکومت کردن چیزی جز تربیت کردن نیست، و تربیت هم در مرحله آخر چیزی جز پروراندن فضایی در وجود اتباع کشور که به حکم طبیعت استعداد و آمادگی پذیرفتن آن را دارند، نیست.

ارسطو نیز حکومت‌ها را به دو دسته صحیح و منحرف تقسیم می‌کند و حکومت‌هایی که توجه‌شان به مصالح هم‌گام معطوف است و براساس عدالت تأسیس شده‌اند را شکل صحیح حکومت می‌داند؛ و در مقابل حکومت‌هایی که فقط مصالح فرمانروایان را در نظر دارند را اشکال منحرف حکومت در نظر می‌گیرد. در تفکر ارسطو، دولت باید حالتی به وجود آورد که در آن اتباع جامعه با میل و رغبت از مقررات و قوانینی که وضع شده است، اطاعت نمایند، نه اینکه در نتیجه رعب و ترس از عواقب خشم فرمانروا، قوانین و احکام او را پذیرا شوند (خیرخواهان و میدری، ۱۳۸۳). به نظر می‌رسد ارسطو حکمرانی مطلوب را تنها در تأمین امکانات زندگی و رفاه مردم در نظر گرفته است.

ماکیاول از دیگر نظریه‌پردازانی است که دو دیدگاه واقع‌نگر و حقیقت‌نگر به حکمرانی دارد. از منظر ایشان، رفتار دولت براساس مصلحت، با تکیه بر آزادی در نگاه واقعیت‌نگر بوده، و توجه به دین و قانون در نگاه حقیقت‌نگر است.

توماس هابز نیز عدالت، آزادی و تفکیک قدرت سیاسی از قدرت روحانی را از شاخصه‌های مهم حکمرانی مطلوب معرفی می‌نماید. اما جرمی بنتام^۱ اصل سودمندی عمومی در حکومت را، حکومت مبتنی بر اکثریت سیاسی، آزادی گفتار و برخورداری از حق نمایندگی و داشتن حق رأی معرفی می‌نماید و وجود فرمانروایانی که براساس اقتصاد آزاد عمل می‌کنند، را ضامن امنیت مشروطه و استقرار حکومت خوب تلقی

1. Jeremy Bentham

می‌نماید (همان).

در میان همه نظریه‌پردازان حکمرانی، آگوستین قدیس از جمله کسانی است که نقش بسزایی را در طراحی الگوی مطلوب حکومت، با الهام از آموزه‌های دینی داشته است. وی رمز پایداری جامعه و حکومت را اطاعت کردن از اوامر الهی در پرتو رعایت قانون و عدالت می‌داند، و عدالت را از ویژگی‌های حکمرانی خوب معرفی می‌نماید. به اعتقاد وی، عدالت حقیقی هر دولت به انطباق اعمال آن دولت با یک نظام جهان‌گیر و جهان‌گستر بستگی دارد (قلی‌پور ۱۳۸۷: ص ۳۳).

اما از منظر مبانی سیاسی حضرت زهرا(س)، وجود رهبری معصوم، از ارکان اولیه حکمرانی خوب است؛ به‌گونه‌ای که بدون آن جامعه الهی محقق نمی‌گردد. اینکه اصل ارزشمندی عدالت، حکم عقلی است، جای هیچ بحثی ندارد، اما دو مسأله دیگر باقی می‌ماند؛ چه کسی باید نظام ارزشی صحیح را تعیین کند، و احکام و قوانین را تثبیت نماید؟ و چه کسی باید متصدی اجرا و رهبری جامعه شود؟ اینجاست که حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه مسأله «طَاعَتَنَا وِإِمَامَتَنَا» را مطرح کرده و می‌فرماید: «برای اینکه قانونی واحد و نظام ارزشی هماهنگی بر جامعه حاکم باشد، باید از ما اطاعت کنید و اگر اختلافی هست، باید با مراجعه به ما، آن را حل کنید». سپس در مرحله نهایی می‌فرماید: «إِمَامَتَنَا أَمَانًا مِّنَ الْفُرْقَةِ؛ خدای متعال امامت ما را ضامنی برای جلوگیری از پراکندگی و از هم گیسختگی جامعه قرار داد» (حسینی زنجانی، ۱۳۹۱: ص ۱۵۹). تحلیل مطالب فوق نشان می‌دهد که در خطبه فدکیه، اگرچه برپایی عدالت، تأمین آرامش، امنیت و وضع قوانین مطلوب در جامعه، از موارد مهم در تعالی یک حکومت و حکمرانی تلقی می‌شود. اما همه اینها زمانی می‌تواند در مسیر سعادت و کمال قرار گیرد که در سایه رهبری امام معصوم قرار گیرد؛ زیرا هدف اصلی تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد شرایطی مناسب برای تعالی و سعادت انسان‌ها است، که با رهبری هوشمند و مدبرانه، در راستای حاکمیت قوانین الهی تحقق می‌یابد.

۵. جایگاه سیاسی فدک در ترسیم حکمرانی متعالی

فدک، در لغت به معنی از هم وا شدن و پراکنده شدن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۵، ص ۸۵). در اصطلاح نام روستایی از روستاهای یهود، در حوالی شرق خیبر است که در سرزمین حجاز بوده و دارای چشمه‌ها و درختان خرمای بسیار بوده است (حموی، ۱۹۹۳: ج ۴، ص ۲۳۸). درباره علت نامگذاری این منطقه به فدک، در منابع تاریخی آمده است که چون اولین کسی که در آنجا سکونت یافت، «فدک فام بن حام بن نوح» بود، این ناحیه به اسم وی نامیده شد (صفی‌پور، ۱۳۹۷: ج ۳، ص ۹۱۹). فدک غنیمتی بود که بدون تاخت و تاز و جنگ بدست پیامبر (ص) رسیده بود، از این رو با استناد به آیه «حَبِيلٌ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كَيْفٌ لِّلَّهِ يَسْلُطُ رُسُلُهُ عَلَيَّ

مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱ (حشر: ۶)، متعلق به خود پیامبر اکرم (ص) است (مجلسی، ۱۳۹۱: ۳۹). وقتی این اراضی در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفت، این آیه بر رسول خدا (ص) «وَأَتَىٰ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمُسْكِينِ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا يُبَدِّلُ بَدِيلًا»^۲ (اسراء: ۲۶) نازل گردید (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۸، ص ۱۵۷). بعد از آن ایشان حضرت زهرا (س) را خواستند و فدک را به او بخشیدند (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۷۷). اما بعد از حادثه سقیفه، فدک از حضرت زهرا (س) غصب گردید.

حضرت زهرا (ص) بعد از این ماجرا و غصب حکومت از امام علی (ع)، با گروهی از زنان به مسجدالنبی رفتند و خطبه فدکیه را در حضور مهاجر و انصار ایراد فرمودند (مجلسی، ۱۳۷۹: ص ۸۲۵)؛ که علاوه بر قاطعیت حضرت زهرا (س) در حق خواهی نسبت به ارث خویش، بیانگر انگیزه اصلی ایشان در دفاع از حریم ولایت و عدالت در حکمرانی متعالی است.

مطالعات انجام شده در هندسه تحلیلی خطبه فدکیه نشان می‌دهد که دادخواهی حضرت زهرا (س) نمی‌تواند تنها برای مسائل مادی شکل گرفته باشد؛ چراکه ایشان در سایه غصب فدک، اساس اسلام و ولایت را در معرض خطر می‌دیدند. از این‌رو در دفاع از حریم ولایت و تشکیل حکومت اسلامی، مسئله هبه و ارث بری فدک را مطرح نمودند و اینگونه عدم مشروعیت حکومت ابوبکر و حقانیت امام علی (ع) را به جهان اسلام اثبات کردند.

پس از رسول خدا (ص) کسانی که قدرت را به دست گرفتند، به جهت تأمین نیازهای مالی خود، علاوه بر قطع سهم ذوی القربی از اهل بیت پیامبر (ص)، فدک را هم به جهت درآمد فراوانی که داشت، غصب نمودند، تا به طور کلی خاندان پیامبر (ص) را خلع سلاح نمایند (نظری منفرد، ۱۳۹۱: ص ۲۱۲). مؤید این مطلب کلامی از امام علی (ع) است که می‌فرمایند: «آری، از آنچه آسمان بر آن سایه انداخته، فقط فدک در دست ما بود، که گروهی از اینکه در دست ما است، بر آن بخل ورزیدند و ما هم به سخاوت از آن دست برداشتیم، و خدا نیکوترین حاکم است» (شریف‌الرضی، ۱۴۰۶: نامه ۴۵، ص ۵۵۳).

در چرایی سیاسی این غصب چنین تحلیل می‌شود که پس از پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع) به عنوان

۱. «و آنچه را خدا از آنان [یهود] به رسولش بازگردانده (و بخشیده)، چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمتی نکشیدید)، نه اسبی تاختید و نه شتری؛ ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد، مسلط می‌سازد و خدا بر هر چیز توانا است!»

۲. «و حق نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن».

جانشین بر حق پیامبر(ص)، باید حکومت و ولایت جامعه را بدست می‌گرفت، و چون هر حکومتی برای پیاده کردن اهداف خود نیازمند سرمایه مادی است، درآمد فدک می‌توانست بهترین سرمایه برای تحقق اهداف متعالی امام علی(ع) در جامعه اسلامی به‌شمار رود. به همین جهت در همان روزهای نخست رحلت پیامبر(ص)، فدک توسط حکومت ابوبکر از دست خاندان پیامبر(ص) خارج شد (مجلسی کوپایی، ۱۳۹۱: ص ۶۶)؛ زیرا کودتاگران سقیفه به خوبی می‌دانستند که اگر از مال دنیا فقط اندکی در اختیار حضرت زهرا(س) و امام علی(ع) باشد، نه تنها دیگر حاکم مردم مدینه نیستند، بلکه کمترین بهایی نیز نزد مردم نخواهند داشت (سپهر، ۱۳۸۰: ص ۱۲۲). اینجا بود که عمر به ابوبکر تذکر داد و گفت: «مردم دیار ما، بندگان دنیا هستند و جز آن هدفی ندارند. «تو خمس و غنایم را از علی بازگیر و فدک را از دستش بیرون بیاور؛ وقتی پیروانش دست او را از مال دنیا خالی دیدند، رهایش می‌کنند و به جانب تو متمایل می‌گردند» (بخاری، ۱۳۵۵ق: ج ۸، ص ۱۰۴). بنابراین، هنگامی که ابوبکر حکومت را قبضه کرد، درآمد فدک را مصادره نمود و حضرت زهرا(ع) را از تنها مجرای ملکی و معیشتی خویش محروم نمود، تا با فشار مالی بر خاندان اهل بیت(ع)، عرصه را بر آنها تنگ نماید و آنان را به انعطاف و بیعت خود درآورد (طبری، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ص ۲۸)، و آنها را از تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی محروم سازد؛ چراکه غاصبان فدک به خوبی می‌دانستند که حضرت زهرا(س) به دنبال مطالبه فدک، خواستار خلافت و حکومت برای امام علی(ع) خواهد بود. روشن است که تأمین بودجه، یکی از ارکان مهم در سیاست و حکومت‌داری است و حکومت ابوبکر با غصب فدک، علاوه بر تأمین هزینه‌های حکومتی، با در دست داشتن قدرت و ثروت می‌توانستند حقانیت خویش را به مردم تحمیل نمایند و این سیاست کثیفی بود که ابوبکر، پایه‌های حکومت خود را براساس آن بنا نهاد.

۶. مبانی حکمرانی متعالی در خطبه فدکیه

مطالعات صورت گرفته در مورد خطبه فدکیه، بیانگر آن است که خطبه حضرت زهرا(س)، تنها برای گرفتن یک قطعه زمین و میراث مادی نبوده است؛ اگرچه آن حضرت مسأله فدک را بسیار مستدل مطرح نمودند، اما هدف اصلی حضرت از ایراد خطبه، معرفی امام علی(ع)، بیان جایگاه خلافت و آگاه‌سازی مردم بوده است (رحمانی همدانی، ۱۳۷۲: ص ۵۸۷)؛ زیرا فدک سمبلی از معنای عظیم است که هرگز در چهارچوب آن قطعه زمین نمی‌گنجد و همین معنای رمزی فدک است که نزاع مربوط به آن را از قالب مخاصمه‌ای سطحی و محدود، به جانب قیام و مبارزه‌ای وسیع و پر دامنه سوق می‌دهد (تقی‌ئی، ۱۳۹۸:

ص ۷۳) از این رو یکی از مسائل مهم و اساسی در خطبه فدکیه، دفاع از ولایت، اجرای احکام الهی و برقراری عدالت است، که تنها در سایه تشکیل حکومت الهی محقق می‌گردد و جامعه را به سمت رشد و کمال رهنمون می‌سازد؛ زیرا هدف اصلی حکومت متعالی، به وجود آوردن شرایط مناسب برای تعالی انسان‌ها است؛ شرایطی که طی آن افراد مؤمن و مسئولیت‌پذیری تربیت شوند، تا زمینه‌ساز حکومتی دیگر در راستای الهی باشند. اینگونه است که جامعه و انسان‌ها به آن غایتی که خداوند از خلقت آن‌ها داشته است، دست می‌یابند و شریعت و قانون الهی که ضامن سعادت بشری است، بر جامعه حاکم می‌شود. تحقق چنین جامعه‌ای نیازمند ارکان اولیه‌ای مانند حاکمیت قوانین الهی، رهبری امام معصوم (ع)، ولایت محوری، اخلاق، عدالت و دشمن‌شناسی است که در ادامه به تبیین هر یک، با استناد به خطبه فدکیه پرداخته می‌شود.

۶-۱. حاکمیت قوانین الهی

حاکمیت مصدر جعلی از ریشه «حکم»، به معنای استیلاء یافتن، سلطه داشتن، و اعمالی که دولت‌ها برای اعمال قدرت و حل مسائلی که به حفظ نظم عمومی وابسته است، انجام می‌دهند، است. تفوق همراه با منع از هرگونه تبعیت یا رادعیت از سوی نیروی دیگر است (معین، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۳۳۴)، و در اصطلاح به معنای صلاحیت و قدرت کامل برای حکومت بر یک کشور می‌باشد (ارسنجان، ۱۳۴۸: ص ۱۰۴).

حاکمیت قانون نیز به معنای تبعیت تمامی آحاد جامعه، به خصوص زمامداران و سازمان‌های حکومتی از قانون است. براساس این اصل، قانون باید در تمام جوانب و برای همه به یک نحو و به یک میزان اجرا شود؛ و علاوه بر شهروندان، تمامی مقامات و نهادهای دولتی نیز موظف به انجام وظایف خویش براساس قانون و در چهارچوب آن هستند. براساس حاکمیت قانون، مقامات و نهادهای حاکم دولتی موظف به انجام وظایف خویش براساس قانون در یک جامعه دموکراتیک هستند. اینچنین دولتی، دولت «قانون‌مدار» با این پیام است که هیچ‌کس بالاتر از قانون نیست و اقدامات و تصمیمات خودسرانه ممنوع و مردود است (هاشمی، ۱۳۹۰: ص ۲۲۰). طبق این تعریف، علاوه بر حاکمیت قانون بر شهروندان، تمامی مقامات و نهادهای سیاسی باید تابع قواعد حقوقی باشند و مفهوم حاکمیت قانون در مواردی، مقید کردن قلمرو اختیارات و صلاحیت‌های اربابان قدرت به قواعد و حدود از پیش تعیین شده است (گرچی ازندریایی، ۱۳۸۸: ص ۲۶۱).

از منظر قرآن کریم، قانونگذاری در اصل از آن خداوند و از شئون توحید افعالی است. همان‌گونه که خداوند حاکم مطلق بر تمام جهان هستی است و سراسر هستی در قلمرو حکومت و حاکمیت اوست، بر نظام تشریح نیز حاکم می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱۰، ص ۸۹). از این رو با اثبات و پذیرش ولایت و

حاکمیت مطلق الهی، قانونگذاری اصلی خداوند نیز با استناد به آیه «مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا»^۱ (کهف: ۲۶) اثبات می‌گردد؛ زیرا هنگامی که ولایت، حاکمیت و حکومت مخصوص خداوند باشد، به طور طبیعی حکم، فرمان و قانون نیز مختص اوست. حکم در آیه فوق شامل امر، نهی، قضاوت و حکومت بوده، و همه آن‌ها از شاخه‌های ولایت است و چون ولایت از آن خداوند است، حکم هم از آن اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱۰، ص ۹۲-۹۳). ذکر این مطلب ضروری است که خداوند تمام احکام و قوانین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مسائل حکومتی انسان‌ها را در قرآن کریم بیان نموده است و اینگونه نیست که قرآن تنها کتابی برای تربیت و تزکیه نفس باشد. در واقع خداوند با قانون‌گذاری خویش در قرآن کریم، انسان‌ها را برای ساختن خود و جامعه مهیاء کرده است. از این‌رو رهبران الهی موظف به تدوین و اجرای این قوانین در جامعه اسلامی هستند.

حضرت زهرا(س) در خطبه خود با بیان «كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۹، ص ۲۲۲)، به حقایق و صادق بودن محتوای قرآن اشاره می‌کند، تا بدین وسیله مخاطبان خود را متوجه آنچه در کلام خداوند آمده است، نماید. سپس چنین فرمودند: «پروردگار در بین شما به حق عهدی گذاشته، و یک یادگاری برایتان برجای نهاده است، و آن کتاب ناطق خدا و قرآن صادق و نور درخشان و چراغ تابناک است، که دیده‌ها روشن و اسرارش آشکار و ظواهرش درخشان است. به وسیله آن می‌توان به برهان‌های روشن خدا، واجبات، فضائل مورد پسند، امور جایز و قوانین حتمی دست یافت» (مجلسی، ۱۳۷۹: ص ۸۲۷). همچنین حضرت در بیان ضرورت عمل به آنچه در قرآن آمده است به آیه «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»^۳ (انعام: ۱۰۴) استناد می‌کنند، که بیانگر آن است که قرآن کریم از طرف پروردگار آمده، تا به وسیله آن حق دیده شود، که اگر ببینند، به سود آن‌هاست، و اگر از دیدن آن چشم بپوشند، به زیان خودشان می‌باشد. در حقیقت قرآن دلیل آشکاری است که افراد به وسیله آن می‌توانند حق و باطل و هدایت را از ضلالت تمیز دهند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ص ۵۳۴). از این‌رو حضرت زهرا(ع) همه افراد را به پیروی و اطاعت از قرآن دعوت می‌کنند؛ زیرا این اطاعت را در خطبه خویش هدایت به سوی بهشت

۱. «آنها هیچ ولی و سرپرستی جز او ندارند، و او هیچ کس را در حکم خود شرکت نمی‌دهد».

۲. کتاب گویای الهی و قرآن راستگو.

۳. دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست و کسی که از دیدن آن چشم بپوشد، به زیان خودش می‌باشد و من نگاهبان شما نیستم (و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی‌کنم).

رضوان «فَأَنذِرْ إِلَى الرِّضْوَانِ إِيْتَابُهُ»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۸، ص ۱۵۷-۱۵۸) معرفی می‌نماید. به اعتقاد پژوهش حاضر، با توجه به هندسه درونی خطبه فدکیه، این دعوت بیشتر جنبه اجرایی در حکومت را بیان می‌کند، تا به کسانی که ادعای استحقاق رهبری بر مسلمانان را می‌کنند، بفهماند که اولین شرط حکمرانی متعالی، اجرای قوانین الهی در جامعه است. از سویی تبیین این قسمت خطبه حضرت زهرا(ع) ما را به آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مانده: ۵۵)، رهنمون می‌سازد، که حضرت با بیان قوانین و احکامی که در قرآن وجود دارد، قصد هوشیاری انصار و مهاجرین را داشته است، که اولاً با استناد به قرآن، تمام قوانین مربوط به تشکیل حکومت الهی در این کتاب انسان‌ساز آمده است، لیکن پیاده‌سازی و اجرای این قوانین، فردی را می‌طلبد که آگاه به تمامی این قوانین باشد، تا بتواند حکمرانی متعالی را در جامعه اجرا نماید. ثانیاً، پذیرش چنین فردی نه تنها جامعه اسلامی را به سوی سعادت هدایت می‌کند، بلکه با استناد به آیه ذکر شده، امری واجب است که تخلف از آن، سرپیچی از حکم خدا و رسولش تلقی می‌شود. به همین دلیل است که حضرت با تعبیر «مُؤَدَّ إِلَى النَّجَاهِ أَسْتَمَاعُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۸، ص ۱۵۸) در خطبه فدکیه، گوش دادن به دستور قرآن را عامل نجات انسان‌ها معرفی می‌کند. در این راستا، پژوهش حاضر معتقد است که حضرت زهرا(ع) با تبیین حاکمیت قوانین الهی، قصد ترسیم حکومتی را داشتند که قوانین آن براساس قرآن تنظیم شده باشد، تا در ضمن تأمین آرامش و آسایش دنیوی مردم، سعادت اخروی آن‌ها نیز در سایه حکومت الهی به وجود آید. ذکر این نکته در کلام حضرت واضح است که، تنها داشتن قوانین قرآنی برای رسیدن به این اهداف الهی کافی نیست، بلکه جامعه اسلامی رهبر و مجری می‌خواهد که بتواند تمامی این قوانین را در بین افراد و جامعه پیاده سازد. مؤید این مطلب تفکر افراد حاضر در جلسه سقیفه است که به گمان خویش، داشتن قوانین الهی و وجود خود قرآن برای تشکیل حکومت اسلامی را کافی می‌دانستند و نیاز به مجری و رهبری که خدا و پیامبرش تعیین نموده را احساس نمی‌کردند. نتیجه این تفکر، روی کار آمدن افرادی برای خلافت بود که به ظاهر مسلمان و مقید به قوانین قرآنی بودند؛ اما در عمل، نه تنها خبری از قوانین قرآنی نبود، بلکه مرتکب اعمالی می‌شدند که یک غیرمسلمان از آن گریزان بود. حاصل آنکه، اگرچه برای حکمرانی متعالی نیاز به قوانین قرآنی، جزو ارکان اولیه حکومت اسلامی به‌شمار می‌رود؛ اما این قوانین بدون مجری و رهبر الهی قابلیت اجرا نخواهد داشت. اینجاست که ضرورت و اهمیت وجود رهبر الهی در حکمرانی متعالی نمایان می‌شود.

۱. تبعیت از او خشنودی الهی را در پی دارد.

۶-۲. رهبری امام معصوم(ع)

واژه امام از ریشه «ام م» به معنای امری است که مورد تبعیت باشد؛ این امر می‌تواند انسان، کتاب، محق و یا مبطل باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۸: ص ۲۴). در اصطلاح به کسی که پیشرو باشد، و مردم از آن تبعیت کنند، اطلاق می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ج ۶، ص ۱۰). اسلام حضور مردم در صحنه‌های سیاسی را امری لازم و کارساز معرفی می‌کند؛ اما نقش مردم با توجه به این مبنا که حاکمیت اسلامی، مشروعیت خود را از خداوند می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۴۱۸)، تأمین‌کننده و منشأ مشروعیت، و یا به عبارتی وسیله انشاء و جعل ولایت نیست؛ بلکه مردم با انتخاب ولی فقیه، در چارچوب دین حکومت او را تحقق بخشیده و کارآمد می‌کنند. بر این اساس، حکومت در اسلام نه به صرف گزینش مردم، بلکه با اذن الهی و در سایه رهنمود شرع، با دست مردم شکل می‌گیرد، به طوری که تحقق خارجی آن منوط به پذیرش و مقبولیت مردم است (معرفت، ۱۳۷۷: ص ۹۱). به همین دلیل پیامبر(ص) قبل از تشکیل حکومت، به تربیت افراد از طریق احکام و قوانین اسلامی پرداختند؛ و در نهایت با ابلاغ حکم خداوند در تعیین امامت امام علی(ع)، حضرت را رهبر مسلمانان از طرف خداوند معرفی نمودند؛ اما بعد از رحلت ایشان، حکمرانی و رهبری به دست کسانی افتاد که ولایت در حق آن‌ها اثبات نشده بود.

حضرت زهرا(س) در این بخش از خطبه فدکیه «وَزَعَمْتُمْ حَقَّ لَكُمْ لِيهِ فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَحْلَفَهَا عَلَيَّكُمْ»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۸، ص ۱۵۷-۱۵۸) به جانشین پیامبر(ص) که از جانب خدای متعال برگزیده شده است، اشاره کرده و بر حاکمیت آن در تحقق جامعه اسلامی تأکید می‌نماید. سپس برای اثبات حقانیت حکمرانی امام علی(ع) به آیه «الْيَوْمَ يَبَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخِشُوْنِ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِيْنًا»^۲ (مانده: ۳) استناد می‌کند، تا بدین وسیله حکمرانی متعالی را برای مهاجرین و انصار، شفاف نماید، و به آن‌ها بفهماند که تحقق جامعه اسلامی و حرکت به سمت سعادت و کمال دنیوی و اخروی، تنها در سایه رهبری امام معصوم(ع) میسر خواهد بود. از این رو همه مسلمانان را به اطاعت و فرمانبرداری «وَ جَعَلَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلِيَّةِ وَ اِمَامَتَنَا اَمَانًا مِنْ

۱. «و آیا شما گمان می‌کنید که این مقام‌ها حق شما بود؟ برای خداوند در بین شما عهد و پیمانی است که آن را سابقاً به شما گفته‌اند و برای خداوند میان شما یادگاری است، که خداوند آن را خلیفه بر شما قرار داد».

۲. «امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابراین، از آنها ترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم، و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم».

الْفُرْقَةِ»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۸، ص ۱۵۸) از آن فرامی‌خوانند و اینگونه مشروعیت حکمرانی و رهبری امام علی(ع) را بر مسلمانان بیان کرده و غیر آن را مردود می‌نمایند. تحلیل این مطالب بیانگر آن است که از منظر خطبه فدکیه، تشکیل حکومت اسلامی و رهبری آن به دست فردی لایق، از ضرورت بالایی برخوردار است؛ چراکه جامعه را از سقوط و انحطاط نجات می‌دهد. مؤید این مطلب حوادث بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) است که حکومت اسلامی را به دست کسانی می‌سپارند، که واقعه عاشورا را رقم می‌زنند.

۶-۳. اخلاق محوری

اخلاق در لغت جمع «خُلُق» و «خُلُق» از ماده «خَلَق»، به معنای سجایا و منش‌های پایدار درونی، اعم از خوب یا بد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۱۵۸). خُلُق، چهره و شاکله درونی انسان است که با اختیار او شکل می‌گیرد و ساخته می‌شود (قمی، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۴۱۱). در اصطلاح یک صفت یا یک حالت راسخ نفسانی است که موجب می‌شود تا افعالی متناسب با آن صفت، بدون نیاز به فکر کردن و سنجیدن، از انسان صادر شود. این هیئت راسخه گاه فضیلت است و گاه رذیلت؛ و به همین اعتبار، اخلاق را به اخلاق فاضله و اخلاق رذیله تقسیم می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۹).

اخلاق محوری از امور اساسی است که می‌تواند مبنای همه حکمرانی‌های مطلوب محسوب شود. از این رو، دین اسلام، این رفتار را سرلوحه دستورات خویش قرار داده و افراد را به آن دعوت کرده است. حضرت زهرا(س) بیشترین تلاش سیاسی خود را برای تبیین این مسأله و به دنبال آن شناساندن مقام امامت به عنوان تداوم‌بخش حرکت نبوی بکار بردند؛ چرا که دفاع از انسان کامل، نوعی اخلاق متعالی است که به نوعی دفاع از انسانیت و گشودن راه انسان‌ها نیز تلقی می‌گردد. از این رو، حضرت در راستای تحقق اخلاق متعالی در حکمرانی اسلامی، هرگونه مخالفت با رهبر معصوم را زینانی آشکار بیان نموده‌اند، که سبب گمراهی افراد می‌شود (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ص ۱۲۶). به همین دلیل در ابتدای خطبه فدکیه با بیان «أَبِي مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)»، درصدد تحریک عواطف مردم در راستای اخلاق محوری هستند، تا بدین وسیله ضمن یادآوری جایگاه خویش، مخاطبان را در مسیر اخلاق فاضله که همان دفاع و حمایت از رهبر الهی است، قرار دهند. واژه حمایت در لغت به معنای نگاهبانی، پناه، دستگیری، حفاظت، یاری و هواداری است (دهخدا، همان، ج ۲، ص ۴۴). در اصطلاح به طرفداری، همیاری و هواخواهی کسی یا چیزی گویند (خداپرستی، ۱۳۷۶: ص ۱۸).

۱. «خداوند اطاعت ما را نظام و سامانی برای آئین اسلام، و امامت ما را امانی از تفرقه و اختلاف قرار داده است».

اما تاریخ شاهد بر بی‌عدالتی‌ها و ستم‌هایی است که در پی حمایت نکردن مردم از امام علی(ع) به وقوع پیوست، و این پشت کردن به امام به اندازه‌ای سریع بود، که حضرت زهرا(س) می‌فرماید: «حتی شما آن مقدار درنگ و تأمل نکردید، تا ستور و اسب سرکش خلافت رام گردد، و تسلیمان شود، که به راحتی بتوانید از آن سواری بگیریید، و کینه و نفرتان فروکش کند، هیزم در آتش فتنه افکنده، آن را برای شعله‌ور شدن برهم زدید. چنین ماند که زدودن کف از روی شیر را بهانه کرده، آن را پنهانی تا به آخر سر کشیدید، و برای گوشه‌نشین کردن خاندان و فرزندان پیامبر(ص) در کمینگاه خزیدید و ما چاره‌ای جز شکیبایی ندیدیم، و همچون خنجر به گلو فرو رفته و تیغ بُزان بر دل نشست، سکوت نمودیم» (مجلسی، ۱۳۷۹: ص ۸۳۰). در فراز نهم دلیل این رفتار مردم را به مخاطبان بیان می‌کند: «چون خداوند سرای پیمبرانش را برای پیامبر خود برگزید، و جایگاه برگزیدگانش را منزلگاه او ساخت، کینه‌ها و دورویی‌ها آشکار و پرده دین دریده شد». در ادامه به عواقب این حمایت نکردن مردم در جامعه اسلامی می‌پردازد، که باعث شد هر گمراهی مدعی، هر گمنامی سالار، و هر یاوه‌گویی در پی گرمی بازار خویش شود (همان: ص ۸۲۹): تا اینگونه ابوبکر را مدعی پذیرش و حمایت مردمی نماید، و در پاسخ غضب خلافت و فدک به حضرت زهرا(س) چنین بگوید: «این مسلمانان میان من و تو، این مسئولیتی که به گردن گرفته‌ام، آنان به گردن انداخته‌اند، و آنچه را که تصرف کرده‌ام، به اتفاق ایشان بوده است. نه اظهار کبر و بزرگی می‌نمایم، و نه بر رأی خویش پای می‌فشارم، و نه آنچه را که به تصرف درآورده‌ام، از برای خود برداشته‌ام، که اینان شاهد صدق ادعایم هستند» (همان: ص ۸۳۶).

تحلیل این کلام ابوبکر نشان می‌دهد که توطئه کنار زدن اهل بیت(ع) و غضب حقوق سیاسی، اجتماعی و مالی آن‌ها، فقط به وسیله فرصت‌طلبی چند تن از اصحاب شکل نگرفت، بلکه حقیقت آن است که تساهل و تسامح اصحاب دیگر موجب شد تا برخی عناصر جاه‌طلب، اهل بیت(ع) را از حقوق مسلم الهی‌شان محروم سازند. از منظر حضرت زهرا(س) اگر انصار، تساهل و کاهلی را کنار نهاده و با بصیرت در برابر انحراف‌ها ایستادگی می‌کردند، و خواهان خلافت امام علی(ع) و حقوق مالی حضرت زهرا(س) می‌شدند، هرگز آن حوادث تلخ رخ نمی‌داد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ص ۱۷۶-۱۷۷). در چرایی این رفتار مردم، حضرت به عدم تدبر در قرآن و هواپرستی آنان اشاره می‌نماید: «فَالْتَمَّتْ فَاطِمَهَ إِلَى النَّاسِ وَ قَالَتْ مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۱

۱. «پس فاطمه رو به مردم کرده و فرمود: ای جمعیت مسلمانان که به سرعت به طرف گفته‌های باطل رفتید، بر روی کارهای زشت و زیانبار چشم می‌گذارید. آیا در قرآن دقت و تدبر نمی‌کنید؟ یا اینکه بر دل‌های شما قفل زده شده است.»

(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۹، ص ۲۲۲).

از سوی دیگر، در معرفی پدر بزرگوارشان به آیه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^۱ (توبه: ۱۲۸) استناد می‌کنند، تا مخاطبان را میان فرایندهای کنونی و واقعیت‌های زمان عصر پیامبر(ص) نگه دارد، تا در میان آنچه رخ داده و آنچه شایسته بوده است، رخ دهد، به تحلیل درست نائل گرداند؛ زیرا با آوردن این آیه خصایص نبی اکرم(ص) و خصایصی که شایسته رهبری جامعه اسلامی در راستای اخلاق محوری است، را مطرح می‌کند، تا الگویی تکوین یافته در دوران حیات پیامبر(ص) دوباره احیاء شود، و در خصوص رهبر شایسته جامعه اسلامی، سیره از ناسره تفکیک گردد (روشنفکر و اکبری‌زاده، ۱۳۹۱: ص ۱۳۷). مطالب فوق بیانگر ویژگی اصلی رهبر جامعه در رأس حکمرانی می‌باشد. بدیهی است که وقتی حاکمی مزین به اخلاق فاضله و ارزش‌های دینی باشد، جامعه را نیز به همان جهت سوق می‌دهد و این اخلاق مداری، جایگاه رهبر اسلامی را در تعیین سرنوشت جامعه و مردم آن مشخص می‌نماید، چیزی که بارها در خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) به آن اشاره شده، و مردم را به آن تذکر داده‌اند.

۶-۴. ولایت محوری

ولایت از ماده «ولی»، به معنی سرپرست و اداره‌کننده امر و نیز دوست و یاری‌کننده است؛ یعنی کسی که به تدبیر امور از دیگری سزاوارتر است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ص ۲۴۷)، و دو مرحله دارد: یکی مرحله «ثبوت ولایت» که طی آن خداوند متعال به شخص واجد شرایط می‌دهد، و دیگری مرحله «اعمال ولایت» است که در این مرحله، پذیرش، حمایت و مقبولیت مردم شرط است (ایزدهی، ۱۳۸۶: ص ۱۵۱). تحلیل خطبه حضرت زهرا(س) نشان می‌دهد که منافقان برای براندازی هر سه قسم ولایت یعنی ولاء محبت، امامت و زعامت، نقشه داشتند و تلاش می‌کردند تا علاوه بر اینکه محبت حضرت علی(ع) را از دل‌ها بزدايند، مانع ارتباط دینی مردم با ایشان از طریق ولایت شوند؛ و اینگونه بود که پیشوایی سیاسی امام علی(ع) را غصب نمودند. اما آنچه قابل توجه است، اولین اقدام منافقان در غصب جایگاه خلافت از امام علی(ع) بود که به فروپاشی حکمرانی الهی منجر می‌شد. به همین دلیل حضرت زهرا(س) عمده تلاش و همت خود را تا آخرین لحظه در دفاع از مقام و جایگاه ولایی امام علی(ع) و حاکمیت به حق ایشان کردند (نیلی‌پور، ۱۳۸۴: ص ۴۶۱-۴۶۲). ایشان در ادامه دفاع از امام خویش و اهمیت پیروی از آن، مسئله ولایت را یک تعهد

۱. «یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سوی‌تان آمد، که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است».

اسلامی و تکلیف الهی معرفی می‌نمایند (خلجی، ۱۳۸۸: ص ۵۵)، و به مردم می‌فرمایند: «شما با خدا پیمان بستید. آیا این پیمان جز پیمانی است که در غدیر برای آخرین بار محکم شد» (مجلسی، ۱۳۷۹: ص ۸۲۷). در این قسم از خطبه خویش: «هَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ، وَ آتَى تَوْفُوكُونَ، وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَقْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرْغَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ بَعْضُهُ تَحْكُمُونَ؟ بِنَسِّ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَ مَنْ يَنْتَعِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يَقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۸، ص ۱۵۸)، مخاطبان خود را توبیخ و سرزنش می‌کند و به آن‌ها گوشزد می‌نماید که برخلاف حکم خداوند رفتار می‌کنند.

حضرت زهرا(س) این فراز از سخنان خویش را متوجه شورای سقیفه می‌کند و ادعای عاملان آنان را که می‌گفتند ما به انگیزه پیشگیری از وقوع فتنه و آشوب، و جلوگیری از بحران رهبری، ناچار به انتخاب جانشین خلیفه بودیم، راد می‌نمایند؛ زیرا قبل از این ماجرا، پیامبر(ص) در واقعه غدیر خم حجت را بر آنان تمام نموده و حکم خداوند را به همه آنان ابلاغ فرموده بود (خلجی، ۱۳۸۸: ص ۴۳۴-۴۳۵). روشن است که این کلام و رفتار آن‌ها نوعی ولایت‌گریزی و فرار از مسئولیت را نمایان می‌کند، و فردی که حکم و ولایت آشکار خداوند را نادیده می‌گیرد، چگونه ممکن است گردن به ولایت ولی او بدهد؛ و اینگونه می‌شود که جامعه اسلامی به دست کسانی می‌افتد که به جای سعادت، شقاوت را برای مردمان آن به ارمغان می‌آورند.

بنابر تحلیل پژوهش حاضر، این بخش از خطبه حضرت زهرا(س) بیانگر عواقب ولایت‌گریزی در جامعه است، که با قدری تأمل، نتایج آن در آینده روشن می‌شود. بدین شکل که رهبر ولایی در راستای تحقق احکام و قوانین الهی گام برمی‌دارد و تمامی همّت خود را برای حفظ دین، قرآن و اسلام می‌نماید، و در این مسیر در مقابل هر ظالم و قانون‌شکنی می‌ایستد؛ اما اگر حکمرانی به دست فرد غیرولایی که پایبند قانون الهی نیست، بیفتد، تصور آن جامعه چندان خوشایند نیست. برای شفاف‌سازی این تحلیل می‌توان به عصر امام علی(ع) رجوع نمود، که ولایت‌گریزی انصار و مهاجر باعث شد تا حکومت اسلامی به دست کسانی بیفتد که از هیچ جنایتی فروگذار نباشند؛ تا جایی که که شهادت اهل بیت(ع) و واقعه کربلا را در تاریخ رقم می‌زنند. تأمل در این بخش از خطبه فدکیه بیانگر آن است که تشکیل حکومت اسلامی و ولایت‌مداری در جامعه،

۱. «این کار از شما بعید بود، چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، درحالی که کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن و احکامش درخشان و علامت حیاتش ظاهر و محرّامتش هویدا و اوامرش واضح است، ولی آن را پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهید؟ یا به غیر قرآن، حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هر کس غیر از اسلام دینی را جويا باشد، از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود».

از ضرورت و اهمیت بالایی برخوردار است؛ اما نباید فراموش نمود که تحقق آن مستلزم دو امر مهم می‌باشد: (۱) وجود رهبری فرزانه و ولایی که با هوشمندی و انتخاب افراد مسئولیت‌پذیر و شایسته، جامعه را اداره نماید؛ (۲) مردم و امتی ولایتمدار که با حمایت از چنین رهبری، او را در تحقق آرمان‌های الهی کمک نماید. دردآور است که تاریخ گواه خطبه‌ای را می‌دهد که در آن بانوی دو عالم حضرت زهرا(س)، ولایت و رهبری فردی را به مردم مسلمانی گوشزد می‌نماید که در واقعه غدیر خم به اثبات همگی آن‌ها رسیده است، اما آن‌ها در کسب منافع دنیوی خویش ولایت کسی را می‌پذیرند که جز حقارت و بدبختی در دنیا و آخرت، چیزی برایشان نمی‌آورد.

۶-۵. عدالت‌محوری

عدالت از ریشه «عدل» به معنای میانه‌روی، برابری، همانندی، مساوات (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۸۶) و حکم به حق (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۸) است. در اصطلاح حالتی میانه بوده که از افراط و تفریط به دور است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۱۰۱). عدالت‌محوری در بحث حکمرانی، به عنوان یکی از اهداف قانون و به معنای همسان بودن افراد در برابر قانون و نفی هرگونه تبعیض است. به این معنا که همه اشخاص در هر مقام و موقعیتی که باشند، در برابر قانون یکسان هستند. لازم به ذکر است که در حکمرانی متعالی، در کنار توجه عمیق به اصل برابری، رعایت استحقاق‌ها نیز امری ضروری است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ج ۱۶، ص ۴۷)؛ زیرا نظام حقوقی اسلامی منطبق بر قرآن و براساس مصالح و مفاسد بنا شده است. از این‌رو برابری در آن به معنای رعایت استحقاق‌ها می‌باشد؛ بدین معنی که هر فردی به تناسب استحقاقی که بر اثر ویژگی‌های جسمانی و روانی دارد، باید از موقعیت‌ها بهره‌مند شود (دانشور ثانی، ۱۳۹۱: ص ۲۸۵). در چرایی این مطلب باید عنوان نمود که قانون یکسان برای همه افراد جامعه، منجر به عدالت نمی‌شود؛ بلکه تساوی در برابر قانون، باعث تضمین عدالت در جامعه اسلامی است.

حضرت زهرا(س) در تبیین رعایت استحقاق‌ها در راستای عدالت‌محوری، امام علی(ع) را تنها فرد مستحق و لایق رهبری بر مردم معرفی می‌کند، که در عین بی‌عدالتی، این منصب الهی را از او ربودند. از این‌رو در فراز سیزدهم خطبه فدکیه خطاب به انصار و مهاجر چنین می‌فرمایند: «شما به خیال باطل خود چنین پنداشتید که من هیچ بهره و ارثی از پدر ندارم؟ و هیچ خویشاوندی و قرابتی میان ما وجود ندارد؟ آیا خداوند آیه‌ای در خصوص شما فرو فرستاده که پدرم از آن خارج است؟ یا بر این رأی و نظرید که من و پدرم، هریک به آیینی جدا سر نهاده‌ایم؟ یا اینکه دعوی آن دارید که از پدرم و پسر عمومیم به خاص و عام قرآن آگاه‌تر هستید؟» (مجلسی، ۱۳۷۹: ص ۸۳۱).

این بخش از خطبه حضرت زهرا(س)، این پیام را می‌رساند که برقراری عدالت در جامعه اسلامی، در وهله اول مستلزم داشتن رهبری عادل، باتقوا و شجاع است که بی‌هیچ ملاحظه‌ای، تنها برای رضای خدا و سعادت جامعه، به امور مردم بپردازد. روشن است که وقتی مردم با وجود امام معصوم و عادل، به خلافت کسانی روی می‌آورند که پایه‌های حکومتی خود را بر مبنای بی‌عدالتی و نارضایتی خداوند بنا نهاده‌اند، جامعه به سمت بی‌عدالتی و ظلم پیش خواهد رفت، که نتیجه‌ای جز به وجود آمدن واقعه کربلا نخواهد داشت.

۶-۶. دشمن‌شناسی

یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی، مسئله بصیرت و دشمن‌شناسی است، که از ضرورت‌های تحقق حکمرانی متعالی به‌شمار می‌رود؛ زیرا عدم شناخت و درک مفهوم بصیرت‌افزایی، برابر با ورود دشمن در تمام عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که در این صورت دشمن می‌تواند با توطئه‌های مخفیانه، اهداف خود را با تأثیر بر افکار اقشار مختلف جامعه پیش ببرد، و از این طریق به انحراف ذهنی افراد جامعه و ایجاد شبهات در تمامی زمینه‌ها میان مردم اقدام نماید. از این‌رو برای مصونیت از خطرات دشمن، علاوه بر آگاهی، هوشیاری و آمادگی نیز لازم است؛ زیرا فراهم‌سازی زمینه برای در امان ماندن مؤمنان و جامعه اسلامی از آزار، اذیت، توهین و تحقیر از سوی دشمنان، از جمله دلایلی است که ضرورت دشمن‌شناسی را در حکمرانی متعالی تبیین می‌کند (حسینی، ۱۳۸۶: ص ۴۵-۴۸)، که مانع از ورود افراد در حزب شیطان می‌شود، به شرط آنکه افراد بصیرت لازم را برای درک آن داشته باشند.

غصب خلافت و درپی آن غصب فدک توسط حاکمان وقت، این فرصت را برای حضرت زهرا(س) فراهم آورد، تا روشنگری و دشمن‌شناسی خود را در خطبه فدک علنی نماید، و چهره واقعی غاصبان خلافت و مظلومیت اهل بیت پیامبر(ص) را برای جامعه اسلامی آشکار سازد. از طرفی ایشان با بینش سیاسی خویش که بر ارزش‌های توحیدی استوار بود، متوجه خطر بزرگی از سوی دشمنان داخلی شدند، و آن، انحراف از مسیر ولایت بود، که جامعه اسلامی را به سوی بدبختی سوق می‌داد. از این‌رو، منازعه فدک قیامی علیه اساس حکومت بود، که حضرت زهرا(س) به وسیله آن سنگ کجی را که تاریخ بعد از ماجرای سقیفه بر آن بنا شد، درهم شکست (ابن اثیر، ۱۳۷۶ق: ج ۴، ص ۲۷۳). ذکر این مطلب ضروری است که در جریان فدک، تنها منافع اقتصادی مطرح نبود، بلکه مشروعیت و صلاحیت هیئت حاکمه با آن گره خورده بود. لذا، مطالبه حضرت زهرا(س) برای فدک، افشای باطن حکومت و اثبات عدم صلاحیت حاکمان برخاسته از سقیفه را به دنبال داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۱۰۱)؛ زیرا حضرت در این قسمت از خطبه فدکیه «رَغْبَةً عَنْهُ

تُرِيدُونَ أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ بِنَسٍ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا وَ مَنْ يَتَّبِعِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۸، ص ۱۵۸)، خلافت بدون حکم خداوند را فاقد مشروعیت بیان می‌کنند. لذا، محور استدلال ایشان، عدم مشروعیت خلافت زمامداران سقیفه است، که هیچ دلیل و حجتی بر تصدی منصب خلافت نداشتند، و هیچ بهانه‌ای جز بیم از بروز فتنه نتوانستند بر این غصب خویش ارائه دهند؛ درحالی‌که این کار آنان فتنه‌انگیزی و پشت کردن به قرآن و مصداق بارز ظلم بود. از این‌رو حضرت زهرا(س) عاملان آن را جزء ظالمان به‌شمار آوردند (منتظری، ۱۳۷۴: ص ۱۳۷)، که بیانگر ظلم اصحاب سقیفه به مقام امامت و اهل بیت(ع) می‌باشد، و عواقب پیروی از آن‌ها، شرایطی را در جامعه اسلامی فراهم کرد، که حاکمیت و حکمرانی متعالی را از جامعه ربود.

بنابراین، شناخت خط سیر دشمن از خارج تا داخل کشور و نیز شناخت روش‌ها و شباهت‌سازی‌ها و تاکتیک‌های آنان و شناخت دشمنان موجود در تمام اقصاء و ارکان جامعه، از موارد بسیار مهم در تحقق حکمرانی متعالی است. بی‌شک، این شناخت هرچه عمیق‌تر و درست‌تر باشد، توانایی مقابله و دفاع در برابر دشمن را افزون‌تر می‌کند. همچنین با دشمن‌شناسی، نقشه‌ها و اهداف دشمن شناخته می‌شود، و در این صورت است که نیروهای خودی از غفلت بیرون می‌آیند و با او به مقابله برمی‌خیزند. اگرچه حضرت زهرا(س) تمام تلاش خود را برای بصیرت مردم و حاکمان غاصب انجام دادند، و با تبیین آیات قرآن دستور خداوند و وصیت پیامبر(ص) را برای همگان یادآور شدند، اما حقیقت آن است که فرد جاهل را می‌توان آگاه نمود، ولی فردی که عمداً خود را به جهالت زده است را نمی‌توان به صراط مستقیم آورد. از این‌رو حضرت با این عبارت، خطبه را به پایان رساندند: «اکنون که چنین است، این مرکب خلافت ارزانی شما، به آن محکم درآویزید و هرگز ره‌ایش مسازید، ولی آگاه باشید که پشت این شتر مجروح، و پای آن تاول زده و سوراخ است، داغ‌نگ بر خود دارد و نشانی از خشم خداوند و رسوایی ابدی با او همراه است» (مجلسی، ۱۳۷۹: ص ۸۳۳) و حجت را برای همگان به اتمام رساندند.

۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا با تبیین خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) که مبتنی بر ولایت‌مداری و دفاع از حکمرانی امام علی(ع) است، ارکان اصلی حکمرانی متعالی روشن گردد. تحلیل این خطبه ارزشمند نشان می‌دهد که برای تحقق یک حکومت الهی، به مؤلفه‌هایی نیاز است که پایه‌های آن حکومت را شکل می‌دهد. این مؤلفه‌ها در کلام حضرت زهرا(س) اهدافی را دنبال می‌کند، که علاوه بر آرامش دنیوی، سعادت اخروی را

نیز تأمین می‌سازد. ایشان برای تبیین این مؤلفه‌ها، ابتدا به حاکمیت قرآن اشاره می‌نماید، که دلالت بر این امر می‌کند که هر حکومتی برای پیشرفت، حفظ قدرت و استقلال خویش، نیازمند قوانینی است که این قوانین در حکمرانی متعالی، مبتنی بر احکام و شریعت الهی است که تمام نیازهای بشری را تأمین می‌کند. حضرت زهرا(س) در ادامه به حاکمیت و اهمیت رهبری و ضرورت این رکن جهت تحقق اهداف الهی و سعادت جامعه در سایه رهبری امام معصوم(ع) اشاره می‌کند. سپس با تبیین اخلاق و ولایت‌محوری، به نقش و جایگاه این مؤلفه در تعالی جامعه اسلامی می‌پردازد، تا بدین وسیله عدالت‌محوری که از ارکان مهم و اصلی هر حکومتی است را نشان دهد. همچنین با ترسیم نقش دشمن‌شناسی در تحقق جامعه الهی، مهم‌ترین مبانی حکمرانی متعالی را برای همگان روشن می‌سازد.

جدول ۱- جمع‌بندی

مؤلفه‌های حکمرانی متعالی در خطبه فدکیه	تبیین حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه
<p>۱) حاکمیت قوانین الهی: «ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا» (کهف: ۲۶) «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ» (انعام: ۱۰۴)</p>	<p>۱- «كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ» ۲- «پروردگار در بین شما به حق عهدی گذاشته و یک یادگاری برایتان به جا نهاده است، و آن کتاب ناطق خدا و قرآن صادق و نور درخشان و چراغ تابناک است، که دیده‌ها روشن و اسرارش آشکار و ظواهرش درخشان است. به وسیله آن می‌توان به برهان‌های روشن خدا، واجبات، فضائل مورد پسند، امور جایز و قوانین حتمی دست یافت.» ۳- «مُؤَدِّ إِلَى التَّجَاهِ أَسْتَمَاعُهُ» ۴- «قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ إِتْبَاعُهُ»</p>
<p>۲) رهبری امام معصوم(ع): «الْيَوْمَ بَيَسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)</p>	<p>۱- «وَ زَعَمْتُمْ حَقًّا لَكُمْ لِيَّهِ فَبِكُمْ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ» ۲- «وَ جَعَلَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلِئَةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ»</p>
<p>۳) اخلاق‌محوری: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸)</p>	<p>۱- «چون خداوند سرای پیامبرانش را برای پیامبر خود برگزید، و جایگاه برگزیدگان را منزلگاه او ساخت، کینه‌ها و دورویی‌ها آشکار و پرده دین دریده شد.» ۲- «حتی شما آن مقدار درنگ و تأمل نکردید، تا ستور و اسب سرکش خلافت رام گردد، و تسلیمتان شود که به راحتی بتوانید از آن سواری بگیریید و کینه و نفرتان فروکش کند، هیزم در آتش فتنه افکنده، آن را برای شعله‌ور شدن، برهم زدید. چنین ماند که زودن کف از روی شیر را بهانه کرده، آن را پنهانی تا به آخر سر کشیدید و برای گوشه‌نشین کردن خاندان و فرزندان پیامبر، در کمینگاه خزیدید، و ما چاره‌ای جز شکیبایی ندیدیم، و همچون خنجر به گلو فرو رفته و تیغ بُرآن بر دل نشسته، سکوت نمودیم.» ۳- «قَالَتْ فَتَقَطَّ فِطْمَةُ إِلَى النَّاسِ وَ قَالَتْ مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضَبَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَائِبِ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالًا»</p>

تبیین حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه	مؤلفه‌های حکمرانی متعالی در خطبه فدکیه
<p>۱- «هیهات منکم، و کیف بکم، و آتی توفکون، و کتاب الله بین أظهرکم، أموره ظاهره، و أحكامه زاهره، و أعلامه باهره، و زواجره لایحه، و أومره واضحه، و قد خلقتموه وراء ظهورکم، أرغبه عنه تُردون؟ أم بغيره تحکمون؟ ینس للظالمین بدلاً، و من ینتغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه، و هو فی الآخرة من الخاسرین»</p>	<p>۴) ولایت‌محوری: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵)</p>
<p>۱- «شما به خیال باطل خود چنین پنداشتید که من هیچ بهره‌ی ارثی از پدر ندارم؟ و هیچ خویشاوندی و قرابتی میان ما وجود ندارد؟ آیا خداوند آیه‌ای در خصوص شما فر فرستاده که پدرم از آن خارج است؟ یا بر این رأی و نظریه که من و پدرم هر یک به آیینی جدا سر نهاده‌ایم؟ یا اینکه دعوی آن دارید که از پدرم و پسر عمومیم به خاص و عام قرآن آگاه‌تر هستید؟»</p>	<p>۵) عدالت‌محوری</p>
<p>۱- «رغبه عنه تُردون أم بغيره تحکمون ینس للظالمین بدلاً و من ینتغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین»</p>	<p>۶) دشمن‌شناسی</p>

منابع

قرآن کریم.

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۳۰ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. ترجمه سید رضا عاملی. لبنان: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ج ۷.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۷۶ق). *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*. تحقیق: محمود محمد طناحی و ظاهر احمد زاوی. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۴.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). *معانی الاخبار*. ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۶.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: انتشارات دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع - دارصار، چاپ سوم، ج ۱، ۹.
- ارسنجان، حسن (۱۳۴۸). *حاکمیت دولت‌ها*. تهران: کتاب‌های جیبی، چاپ دوم.
- ایزدی، سید سجاد (۱۳۸۶). *نظام سیاسی مطلوب در اندیشه سیاسی ملا احمد نراقی و محمد حسن نجفی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۵۵ق). *صحیح بخاری*. بیروت: دارالقلم، ج ۸.
- تقی‌ئی، صدیقه (۱۳۹۸). *جایگاه فدک، انگیزه‌های غضب فدک و پیامدهای آن از منظر آیات و روایات*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اصول‌الدین مرکز تهران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *ادب فنای مقرران*. تحقیق: محمد صفایی. قم: اسراء، چاپ پنجم، ج ۲.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. تحقیق علی زمانی قمشاهی. قم: انتشارات اسراء، چاپ پنجم، ج ۱۷.
- حسینی زنجانی، سید عزالدین (۱۳۹۱). *شرح خطبه حضرت زهرا(س)*. قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ سیزدهم.
- حسینی، کمال (۱۳۸۶). *دشمن‌شناسی از دیدگاه قرآن*. تهران: لوح محفوظ.
- حلی، جمال‌الدین (۱۳۸۳ق). *ایضاح الاشتباه فی اسماء الرواه*. قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی الکبری.
- حموی روی بغدادی، شهاب‌الدین (۱۹۹۳م). *معجم البلدان*. بیروت: دارصادر، ج ۴.
- خداپرستی، فرج‌الله (۱۳۷۶). *فرهنگ جامع واژگان مترادف و متضاد*. شیراز: دانشنامه فارسی.
- خلجی، محمدتقی (۱۳۸۸). *سحر سخن و اعجاز اندیشه در بازخوانی آموزه‌های بعثت*. قم: انتشارات صحیفه خرد.
- خیرخواهان، جعفر؛ میدری، احمد (۱۳۸۳). *حکمرانی خوب، بنیان توسعه*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دانشور ثانی، رضا (۱۳۹۱). *اصل برابری در قرآن*. در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق عمومی در قرآن کریم. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ج ۱۵.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۳۶۸). *المفردات فی غریب القرآن*. ترجمه: مصطفی رحیمی‌نیا. تهران: انتشارات سبحان.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. دمشق: دارالقلم - الدار الشامیه.

- رحمانی همدانی، احمد (۱۳۷۲). *فاطمه زهرا بهجه قلب مصطفی*. تهران: نشر مرضیه.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۳). *دانشنامه فاطمی*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۳.
- روشنفکر، کبری؛ اکبری زاده، فاطمه (۱۳۹۱). تحلیل گفتمان انتقادی در قصیده بانیه حضرت زهرا(س). *مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۱۳.
- سپهر، محمدتقی (۱۳۸۰). *ناسخ التواریخ*. تهران: اساطیر.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق). *الدر المشور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۴.
- شریف الرضی، محمد (۱۴۰۶ق). *خصائص الائمه علیهم السلام*. محقق: محمدهادی امینی. مشهد: آستان مقدس رضوی.
- صفی پور، عبدالرحیم (۱۳۹۷ق). *منتهی الارب فی لغه العرب*. تهران: نشر سخن، ج ۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ج ۵.
- طبرسی، فضل (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق: محمدجواد بلاغی. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۴.
- طبری، آملی صغیر، محمد (۱۴۱۳ق). *دلائل الامامه*. قم: نشر بعثت.
- طبری، محمد (۱۴۰۳ق). *تاریخ طبری*. تحقیق، مراجعه، تصحیح و ضبط: نخبه من العلماء الاجلاء. بیروت- لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ رابعه، ج ۵.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق). *العین*. قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ج ۲.
- قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ج ۷.
- قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۷). *حکمرانی خوب*. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۹۷). *سفینه البحار*. تهران: مکتبه الاسلامیه، ج ۱.
- کریمی والا، محمدرضا (۱۳۸۶). *نظریه حاکمیت در دیدگاه اسلام*. معرفت، شماره ۱۱۵.
- گرجی ازندریایی، علی اکبر (۱۳۸۸). *در تکاپوی حقوق اساسی*. تهران: جنگل.
- مجلسی کوپایی، غلامحسین (۱۳۹۱). *فلک از غضب تا تخریب*. قم: انتشارات دلیل ما، چاپ سوم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹). *زنگانی حضرت زهرا (علیها السلام)* (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار). ترجمه: محمد روحانی علی آبادی. تهران: انتشارات مهام.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار (ط- بیروت)*. محقق: جمعی از محققان. بیروت: دارالحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ج ۴۸، ۲۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *اخلاق در قرآن*. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۳.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷). *ولایت فقیه*. قم: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تمهید.
- معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ معین*. تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، ج ۱.
- مفید، محمد (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*. محققان: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی. قم: انتشارات الموتر العالمی لافیه الشیخ المفید.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ج ۱۰. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۴). خطبه حضرت زهرا (علیها السلام). قم: نشر منتظری. نظری منفرد، علی (۱۳۹۱). قصه مدینه. قم: انتشارات سرور، چاپ پنجم. نیلی‌پور، مهدی (۱۳۸۴). فرهنگ فاطمیه (القبای شخصیتی حضرت زهرا (علیها السلام)). اصفهان: انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس، چاپ چهارم. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. محقق: ابراهیم میانجی. تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۱۶. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۰). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی. تهران: میزان. هداوند، مهدی (۱۳۸۴). حکمرانی خوب، توسعه، حقوق بشر. حقوق اساسی، شماره ۱۴.